

مبانی دینی مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری در نظام آموزشی

امید آسمانی^{۱،۲}، سید ضیاء الدین تابعی^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: مسئولیت، زاده‌ی ارتباط و ارتباط ایجادکننده‌ی حق و تکلیف است. گرچه حوزه‌ی روابط اجتماعی عینی‌ترین مصداق تحقق مسئولیت‌پذیری انسان است، اما این فراگیری شامل ارتباط با خدا، خود، سایر جانداران، غیرجانداران و محیط زندگی ... نیز می‌شود. در این مطالعه قصد داریم تا مبانی مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری را در یک فرهنگ دینی توصیف کرده و به اهمیت نقش اساتید در تعالی مسئولیت‌پذیری اصیل در دانشجویان اشاره کنیم. روش بررسی: در این پژوهش توصیفی-تحلیلی تلاش شده است تا با بهره‌گیری از منابع اسلامی-قرآن کریم و نهج البلاغه و ... به موضوع شناسی مسئولیت در فرهنگ دینی پرداخته شود و با یک رویکرد انطباقی چگونگی تقویت آن در نظام آموزش و پرورش عالی مورد بحث قرار گیرد.

یافته‌ها: در فرهنگ اسلامی مسئولیت‌پذیری ریشه در مسئولیت‌شناسی صحیح و توحیدی دارد. در نگاه توحیدی، مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری یکی از ویژگی‌های ذاتی نظام تکوین است. در فرهنگ اسلامی، انسان در برابر هر آنچه انجام داده، خواسته و ... به خاطر دو ویژگی خاص یعنی اختیار و عقل مسئولیت‌پذیر و به دنبال آن پاسخگو قلمداد می‌شود. نهادهای آموزش و پرورش جامعه از ارکان انتقال ارزش‌های دینی به نسل‌های آتی هستند. استاد، مهمترین رکن انتقال ارزش‌ها به نسل جوان است. فکر، رفتار، کردار و عملکرد مسئولانه اساتید به عنوان الگو در نهادینه کردن این شاخص پایه‌ای دینی نقش کلیدی دارد.

نتیجه‌گیری: تعیین شاخص‌های دینی مسئولیت‌پذیری، وضعیت کنونی مسئولیت‌پذیری دانشگاه در حوزه‌های دانشی، مهارتی، برنامه‌ها و ساختار، برگزاری هدفمند کارگاه‌های دانش و مهارت‌افزایی، نظارت و ارزشیابی رفتارهای الگو در اساتید و پایش مداوم فراگیران با توجه به شاخص‌های دینی مسئولیت‌پذیری جهت ارتقای مسئولیت‌پذیری پیشنهاد می‌گردد.

کلمات کلیدی: مسئولیت‌پذیری، مسئولیت‌شناسی، آموزش و پرورش، تربیت دینی، استاد، دانشجو

۱. گروه اخلاق پزشکی و فلسفه سلامت، دانشکده پزشکی شیراز، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

۲. نویسنده مسئول، مرکز پژوهش‌های بین‌رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران. ethics@sums.ac.ir

مقدمه

مسئولیت در عرفان اسلامی زاییده‌ی محبت و محبت ثانویه و منشأ گرفته از توحید است. حقیقت محبت ناشی از وحدت وجودی بین محب و محبوب است. هر چه شدت وجودی این وحدت بیشتر باشد یا درک بیشتر و عمیق‌تری از آن صورت پذیرد، رابطه‌ی محب و محبوب عمیق‌تر و به عبارتی عاشقانه‌تر می‌شود. عشق اصیل و حقیقی در اوج به وحدت وجودی رسیدن با معشوق حادث می‌شود و هر کاری که از جانب عاشق در راه معشوق انجام می‌گیرد، عین محبت و فارق از شائبه‌های منت خواهد بود. در این حال، عاشق عمیقاً در قبال معشوق احساس مسئولیت می‌کند و این مسئولیت را نه مسئولیت و تکلیف، بلکه مشق عاشقانه‌ی خود می‌داند و با افتخار انجام آن را بر عهده گرفته و حتی خواستار آن نیز می‌شود؛ چنانکه آیه‌ی شریفه‌ی *وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (الذَّارِيَات، آیه ۵۶)* به این حقیقت اشاره می‌کند. گرچه عالی‌ترین سطح مسئولیت‌پذیری عارفانه و عاشقانه‌ی انسانی بین کامل‌ترین عباد خدا حضرت محمد ص و اهل بیت ایشان علیهم السلام با حق تعالی تحقق یافته است، اما مراتب نازل‌تر و دنیایی آن همچون رابطه‌ی عاشقانه‌ی مادر در قبال فرزندش نیز شمه‌ای از همین ارتباط وجودی می‌باشد. در این حالت، انجام تکلیف و مسئولیت در قبال طرف مقابل -خدا، فرزند و ...- مشقتی به دنبال ندارد، بلکه به دلیل ادارک وحدت وجودی بین طرفین ارتباط، از روی رغبت و میل و حتی بدون فکر کردن در مورد تعهد به انجام آن تحقق می‌یابد. لذا، هرچه انسان درک عمیق‌تری از وحدت وجودی خود با خدا، خود، سایر انسان‌ها، جانداران و جمادات عالم داشته باشند، عارفانه‌تر به مسئولیت‌های خود عمل کرده و پایبندی او بدون نیاز به تذکرات بیرونی و بهره‌گیری از اجبار قانون‌های اجتماعی تحقق پیدا می‌کند.

اساساً مسئولیت فرزند ارتباط و یکی از مؤلفه‌های ضروری و انکارناپذیر زندگی دنیایی است. زندگی انسان و رشد و توسعه‌ی

آن بطور قابل توجهی بر این اصل استوار است که هستی انسان، یک هستی ارتباطی است (۱). هر کجا ارتباطی بین دو چیز وجود داشته باشد به تبع آن مفهوم حق و در مقابل آن تکلیف و مسئولیت شکل می‌گیرد. اما، دامنه‌ی ارتباطات انسانی محدود به روابط اجتماعی نمی‌شود؛ هر فرد انسانی ارتباط و بلکه پیوندی عمیق با خدا و اعتقادات خود، حیوانات، گیاهان، موجودات ذره بینی، جمادات، عالم ماوراء طبیعت، عالم عقل و عالم معنا و ... و در کل معقولات و محسوسات دارد و این ارتباطات هر کدام به نوعی برای انسان تعهد و مسئولیت‌آوری است.

وحی الهی و دین حق خاستگاه تعلیم و تربیت مسئولانه‌ی بشریت از دریچه‌ی حقیقت عالم وجود یعنی توحید است. دین و پیام‌آوردگان معصوم آن، راهنما و راهبر بشریت در معرفت‌شناسی توحیدی و به دنبال آن مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری توحیدی بوده‌اند. در معرفت‌شناسی دینی اصیل، معرفت ناشی از حس و عقل انکار نمی‌شود، بلکه با معرفی نقاط قوت و محدودیت آن‌ها، به جایگاه وحی در شناخت تأکید می‌گردد. مسئولیت‌شناسی توحیدی نمی‌تواند تنها بر پایه‌ی شناخت عقلی و حسی حاصل شود و لذا، پشتوانه‌ی معرفت دینی ناب لازم است. بنابراین، آموزه‌های دینی اصیل، به منزله‌ی بالی مطمئن برای معرفت‌شناسی مسئولیتی انسان مطابق با حقیقت وجودی اوست و قطب‌نمایی مطمئن برای هدایت در مسیر درست، دستور العملی بدون خطا برای ادای مسئولیت و پشتوانه‌ای ایمن و امیدبخش برای فائق آمدن بر مشکلات و سختی‌های مسیر می‌باشد.

آموزش و پرورش دانش‌آموزان و دانشجویانی مسئولیت‌شناس و مسئولیت‌پذیر مطابق با فرهنگ دین اسلام، کاری بس خطیر و توجه به آن لازم و ضروری است. تحقق این مهم نه تنها خود نیازمند آشنایی مسئولان آموزش و پرورش کشور با آموزه‌های اصیل دینی است، بلکه در مقام اجرا، التزام عملی ایشان و در

وهله‌ی دوم برنامه‌ریزی‌های دقیق و اجرای ارزیابی‌های مستمر و منظم آموزشی نیز ضروری است. در این نگاره قصد داریم تا با معرفی خاستگاه و جایگاه مسئولیت از منظر دین با بهره‌گیری از برخی منابع اسلامی (قرآن کریم) و شیعی (نهج البلاغه) به اختصار این مهم پردازیم.

مسئولیت‌پذیری یک اصل بنیادین در نظام آفرینش (۲)^۱

مسئولیت‌شناسی و به دنبال آن مسئولیت‌پذیری یکی از ویژگی‌های تکوینی و انکارناپذیر در جهان هستی و ارکان آن است. از آنجا که مسئولیت زاده و فرزند ارتباط است و ارتباط نیز جزء لاینفک و اساس هستی محسوب می‌شود، بنابراین، مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری یکی از ویژگی‌های ساری و جاری در تمام اجزای هستی و ارکان طبیعت نیز می‌باشد. در حقیقت، علی‌رغم اینکه جهان کثرت از اجزای مختلف و گوناگونی تشکیل یافته است، اما در عین حال، می‌توان آن را یک کل واحد و یکپارچه به حساب آورد که دارای روابط گسترده و پیچیده بین اجزا است. هر یک از اجزای این جهان در جایگاه منحصر به فرد خود و در ارتباط با دیگر اجزا، مسئولیت‌هایی کاملاً مشخص بر عهده دارد که عمل به آن‌ها برای حفظ وحدت، نظم و حتی حیات کل مجموعه لازم و ضروری است. از آن طرف، از این ضرورت چنین نیز می‌توان دریافت چنانکه در این ساختار به دقت به هم تنیده شده و مرتبط، یکی از اجزا به وظایف و مسئولیت‌های تکوینی خود (به خوبی) عمل نکند، آثار و تبعات منفی آن در سایر اجزا و حتی کل مجموعه‌ی هستی نمودار خواهد شد. به عنوان مثال، اگر جهان هستی را به بدن انسان تشبیه کنیم و آنگاه فرض کنیم که یکی از اعضای این بدن مانند کبد، کلیه یا سیستم عصبی دچار اشکال یا اختلالی بشود و نتواند به مسئولیت(های) خود در این مجموعه عمل کند، آنگاه کل بدن درگیر شده و

۱ کلیات این مبحث تا عنوان "مسئولیت در کلام حضرت امیر علیه السلام" در پایان نامه دوره PhD، رفرانس شماره ۲ چاپ شده است

حتی ممکن است به این واسطه، حیات از انسان سلب شود. البته دقت در این مسئله لازم است که به صورت طبیعی، مسئولیت‌شناسی در ارکان هستی عیناً تبدیل به مسئولیت‌پذیری در عملکرد می‌شود. در واقع، بین مسئولیت‌شناسی تکوینی یا فطری اجزاء و ارکان طبیعت و مسئولیت‌پذیری تکوینی آن‌ها که به صورت سیستماتیک در کل مجموعه و در ارتباط با همدیگر در جریان است، رخنه یا فاصله‌ای وجود ندارد و آن‌ها بدون نیاز به فکر آگاهانه و فارغ از اختیار، عامل به وظایف و مسئولیت‌های تکوینی خود در ارتباط با سایر اجزاء هستند. این عاملیت در جهت کمال وجودی هر موجود است. همه‌ی موجودات، اعم از جاندار و بی‌جان با عمل به مسئولیت‌های تکوینی خود منازل کمال را یکی پس از دیگری طی می‌کند تا به آخرین مرحله که نهایت درجه کمال اوست نایل شود و تا به کمال مورد نظر خود، که رسیدن به غایت وجودی اوست، نایل نشود، متوقف نخواهد شد و اینجاست که ادای امانت یا مسئولیت‌پذیری به کمال تحقق می‌یابد (۳)

مادیت و فیزیک انسان از یک طرف و گرایش‌های فطری انسان همچون گرایش به عدالت و پرستش از طرف دیگر مشمول این قاعده هستند. امور فطری، که انسان‌ها بدون تعلیم گرفتن از دیگری در هر زمانی و در هر زمینی آن‌ها را ادراک می‌کنند و به آن‌ها گرایش دارند (۳) "خود نوعی مسئولیت‌شناسی تکوینی است و از ویژگی‌های آن اینکه تکویناً مصون از تغییر و تبدیل^۲ و عاری از هر گونه خطا و اشتباه است؛ لذا، معرفت و آگاهی و بینش فطری، اصل مشترک همه‌ی انسان‌ها است که در نهاد آن‌ها تعبیه شده و با فشار و تحمیل هم نمی‌توان آن را زایل کرد (۳) با این حال، نوعی دیگر از مسئولیت‌پذیری هم در انسان وجود دارد که وابسته به دو ویژگی منحصر به فرد او یعنی اراده و اختیار در انتخاب و قدرت اندیشه و تعقل است. در واقع، انسان به سبب برخوردار بودن از دو موهبت عقل و اختیار،

۲ فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ (سوره مبارکه روم، آیه ۳۰)

مسئولیت‌پذیری دین‌محور و مسئولیت‌پذیری انسان‌محور (۲)

پر واضح است که بشر مادی‌گرا نمی‌تواند صرفاً اتکالی به عقل و تجربه‌ی خود بر همه‌ی محدودیت‌های معرفتی‌اش چه در حوزه‌ی عقل تجربی و چه در حوزه‌ی عقل دینی غلبه کند (۴) و در بسیاری از موارد به سبب محدودیت‌های زمانی و مکانی، شناختی اطمینان بخش داشته باشد. انسان از لحاظ رفتاری نیز به سبب برخی از ویژگی‌های طبیعی نفسانی‌اش چون منفعت‌طلبی، قوه‌ی شهوت، غضب و ... نمی‌تواند «فی نفسه» با اتکالی به خود، رفتاری قابل اعتماد، به خصوص در شرایط تعارض از خود نشان بدهد! بنابراین، محور و مبنا قرار گرفتن انسان و عقل و تجربه‌ی او - انسان‌محوری - بارزترین برآیند و غایت رویکردهای مادی‌گرا است که فارغ از هدایت دینی در معرفت‌شناسی مسئولیت و نمود بیرونی آن یعنی مسئولیت‌پذیری نیز تحقق عملی می‌یابد. این در حالی است که در رویکرد اصیل دینی نیز عقل و تجربه دارای اعتبار معرفتی هستند ولی متناسب با محدودیت‌های آن دو به آن‌ها بها داده می‌شود. به علاوه، باور دینی به مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری انسان جهت‌ی توحیدی می‌دهد و معنایی مطابق حقیقت وجودی عالم به آن می‌بخشد و متناسب با ایمان عملی فرد، انسان را از قید افراط و تفریط‌های نفسانی و رهایی بخشیده و ترمزی مطمئن در برابر خواهش‌های نفسانی او همچون منفعت‌طلبی، زیاده‌خواهی و سایر رذایل اخلاقی فراهم می‌آورد، به طوری که نگاه او از مادی‌گرایی به خدا گرایی ارتقا می‌یابد.

همانطور که در شکل‌های ۱ و ۲ مشاهده می‌گردد، مدل مسئولیت‌پذیری دین‌محور و انسان‌محور ترسیم شده است. اجزای مسئولیت‌پذیری در هر دو مدل تقریباً مشابه است. آنچه شاخصه‌ی تفاوت این دو مدل محسوب می‌شود، در مرکز هر مدل نمایش داده شده است. چنانکه در شکل ۱

ظرفیت مسئولیت‌شناسی و به دنبال آن مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی را در قبال تصمیمات، اعمال و رفتار اختیاری خود بر عهده دارد. اما، در اینجا دو سؤال بنیادی پیش روی انسان متعهد قرار دارد: اینکه مقصود و جهت مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری او باید رو به کدام سو و یا بر کدام آیین استوار باشد و دوم اینکه با چه ابزار یا وسیله‌ای و یا به مدد چه کسی می‌تواند در این سمت و سو و در آن آیین حرکتی کم‌خطا و مطابق با حق و حقیقت داشته باشد؟ اینجاست که صحبت از نگاه و رویکرد دین‌محور و رویکردهای مادی‌گرا و تفاوت آن‌ها در هدف، تعریف و توصیف و غایت و مقصود مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری انسان به میان می‌آید.

اساساً سمت و سو در رویکردهای اصیل دین‌محور، الهی و گرایش در رویکردهای غیر دین‌محور و به تعبیری مادی‌گرا، غیر الهی و انسان‌مدار است. اما به واقع کدام رویکرد حق است و می‌تواند به حقیقت راه نماید؟ و یا اگر هر دو رویکرد حق است، سطح کدام یک بالاتر و ارزش کدام یک والاتر است؟ اگر در پاسخ‌های - به خصوص فلسفی - ارائه شده به این سؤالات بنیادی که در آثار مدافعان هر دو رویکرد دیده می‌شود، تأمل کنیم، متوجه خواهیم شد که رویکرد دین‌محور به شرطی که اصالت خود را حفظ کرده و دستخوش تحریف نگردیده باشد، به حق نزدیک‌تر و بلکه عین حق است. مضافاً اینکه چنین رویکردی هرگز مُنکر و ضدّ مادیات نبوده و نیست و مقصود آن تربیت انسانی است آزاده که بهره‌برداری‌های مادی او نظام‌مند و در راستای کمالی متعالی است که در نهایت به قرب خداوند می‌رسد. به هر روی، در هر دو رویکرد، جهت تعهد و مسئولیت‌پذیری انسان بر اساس مقصود، غایت و هدف آن رویکرد - مادی‌گرا یا انسان‌محور باشد یا توحیدی و آخرت‌محور - تعیین می‌شود. در ادامه مدل مسئولیت‌پذیری دین‌محور و مسئولیت‌پذیری غیر دین‌محور توصیف شده است.

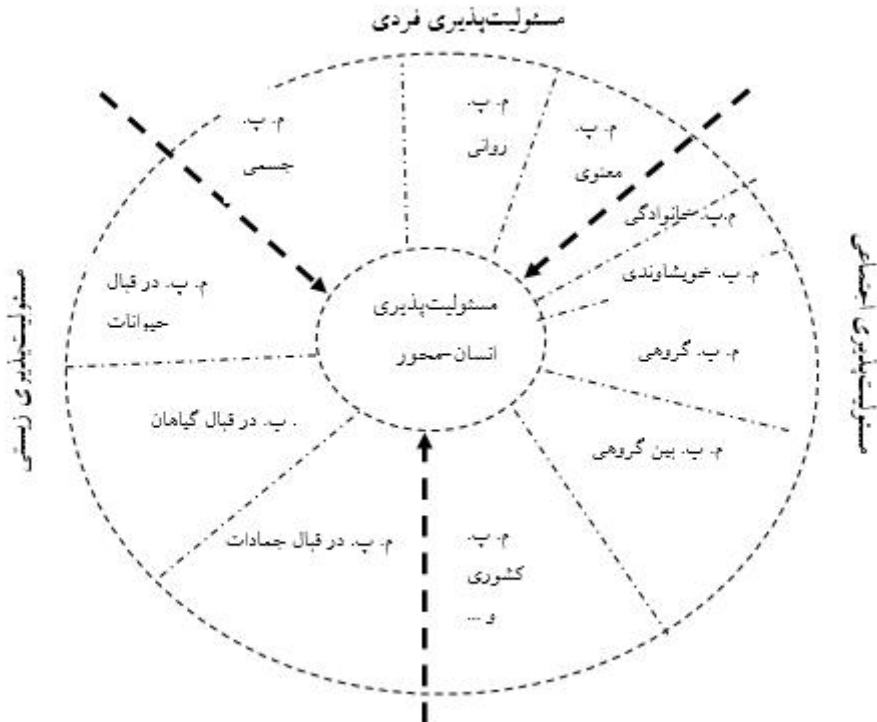
بود". گرچه در این مدل نیز همانند مدل خدامحور با گسترش دامنه‌ی مسئولیت‌پذیری، جدایی و انفصال از مبدأ یعنی همان انسان بوجود نمی‌آید، اما، جهت کلی تمام شئون مسئولیتی انسان در این مدل، به سمت مرکز است (فلش‌های تیره رنگ). در این مدل، همه چیز باید به انسان و تأمین منافع او برگردد، حتی معنویات و مسائل اخلاقی.

البته لازم است در اینجا به دو نکته توجه شود؛ اول آن که دین مداری هرگز به این معنا نیست که فرد دین‌مدار، منافع مادی و دنیایی را رها کرده و دنیا را اساساً ضد دین و خلاف دینداری برشمرد. در واقع، دین‌مداری به این معناست که فرد دین‌باور، جریان و روح دینی و باور معنوی خود را در مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری ساری و جاری می‌سازد و جهت حرکت خود را بر آن اساس مشخص می‌نماید و آن‌ها را با معیارهای دینی ارزش‌گذاری می‌کند. نکته‌ی دوم اینکه نباید چنین پنداشت که رویکردهای مادی‌گرا فاقد هر گونه اخلاق و تهی از معنویات هستند!

ملاحظه می‌گردد، منشأ مسئولیت‌پذیری دین محور از خدا سرچشمه می‌گیرد و جهتی رو به بیرون و به سمت محیط دایره‌ی مسئولیتی انسان دارد؛ به عبارت دیگر، هر چقدر که دامنه‌ی مسئولیت‌های انسان گسترده‌تر می‌شود، هرگز از مبدأ خدامحور خود جدایی ندارد و فاصله نمی‌گیرد؛ در حقیقت، خدامحوری رکن و نخ تسبیح تمام شئون مسئولیتی انسان است که از ابتدا تا هر کجا که دامنه‌ی مسئولیتی او ادامه پیدا کند، هدایت‌گری و راهبری می‌کند؛ مسیری که به سبب لایتناهی بودن مبدأ، انتهایی نمی‌توان برای آن متصور شد. به عبارت دیگر، علیرغم اینکه خدا در مرکز دایره مسئولیتی ترسیم شده است، اما در واقع در همه جای ساری و جاری است. اما، در مدل شماره‌ی ۲، یا مدل مسئولیتی انسان محور، به جای خداوند تعالی انسان، آغاز، هدف و منشأ است. در واقع، بهترین گزینه‌ای را که انسان می‌توانست با حذف خداوند تعالی از مرکز دایره‌ی مسئولیتی جایگزین کند "خود و منافعش

شکل ۱. دایره‌ی مسئولیت‌پذیری خدا محور؛ در این رویکرد مسئولیتی، همه چیز بر اساس خواسته و رضایت خداوند و دستورات

الهی هدف‌گذاری، تنظیم و عملیاتی می‌شود



شکل ۲. دایره‌ی مسئولیت‌پذیری انسان محور؛ این رویکرد مسئولیتی، با محوریت جلب منافع انسان و بر اساس عقل و تجربه‌ی بشری تنظیم و عملیاتی می‌شود.

"حمل" آن امانت را بر عهده گرفت و او بسیار ظلوم و جهول بود. در حقیقت، این آیه نه تنها به امانت، بلکه به صاحب امانت و دو ویژگی خاص انسان امانت‌پذیر یعنی مختار و اندیشه‌ور بودن یا امکان اتصاف او به عدل و علم نیز اشاره دارد و به وضوح، مسئولیت حقیقی و اصیل انسان، مقصد و مقصود و جهت حرکت وی را مشخص می‌کند. انسان زمانی می‌تواند ظلوم باشد که اختیار انجام کاری را داشته باشد و بتواند مسئولیت آن را بپذیرد و زمانی می‌توان او را جهول خطاب کرد که قوه عاقله و درک لازم را برای دریافتن و کشف حقیقت را دارا باشد. از کلیت آیه نیز چنین برمی‌آید که ادای این مسئولیت و ردّ این امانت تمام شئون زندگی دنیوی انسان را در بر می‌گیرد و هیچ شأنی از شئون زندگی دنیا نیست مگر اینکه انسان بواسطه‌ی اختیار و عقل نسبت به آن مسئولیت

خیر. بلکه این گونه است که متناسب با شدت مادی‌گرایی در این رویکردها، تعالی اخلاق و عوامل معنوی در آن‌ها به سمت منفعت‌طلبی‌های فردی و اساساً انسان‌مداری فروکاسته می‌شود و البته به همین خاطر است که پیش از این تأکید گردید اخلاق و معنویات مادی‌گرا نمی‌تواند چندان اطمینان‌آور باشد. در ادامه به اختصار مبانی مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری دینی به معرفی می‌گردد.

مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری از نگاه قرآن کریم (۲)

یکی از مهم‌ترین تعبیر قرآن در مورد مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری مربوط به آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب می‌باشد. در این آیه خداوند به عرض‌ی امانت خود بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها اشاره کرده و می‌فرماید این تنها انسان بود که

پیدا می‌کند. در واقع، آیات قرآن کریم با معرفی توحید به عنوان حقیقت عالم وجود و اینکه خداوند اول و آخر و ظاهر و باطن است، مبنای مسئولیت‌شناسی اصیل قرآنی را معین و معرفی می‌نماید.

قرآن کریم بر اساس همین مبنای توحیدی در آیات متعددی به آسیب‌شناسی مسئولیت‌پذیری نیز پرداخته و مهم‌ترین منشأ مسئولیت‌ناپذیری انسان را گمراهی او در مسئولیت‌شناسی و گریز از تقوای الهی و فرار از بندگی حق تعالی معرفی می‌کند. به عنوان نمونه، قرآن کریم در آیاتی به بیان علل مختلف مسئولیت‌ناپذیری انسان می‌پردازد و از عواملی چون نخوت، خود خواهی، منفعت طلبی، حسادت، کم‌عقلی، تعصب بی‌جا، نفاق، کفر و ... نام می‌برد؛ به عنوان مثال، در فرهنگ قرآنی گفتار، اعمال و رفتار قارون، فرعون و هامان (سوره مبارکه‌ی عنکبوت، آیه‌ی شریفه‌ی ۳۹)، بلعم باعورا (سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف، آیات شریفه‌ی ۱۷۵-۱۷۶)، همسر حضرت نوح و لوط (سوره‌ی مبارکه‌ی تحریم، آیات شریفه‌ی ۱۰) و ... به عنوان نمادها و مصادیقی از گمراهی در مسئولیت‌شناسی توحیدی و بی‌مسئولیتی انسان در قبال حقیقت معرفی شده‌اند.

بنابراین، لازم است تا انسان خدا محور علاوه بر شناخت مسئولیت‌های توحیدی خود به خطرات و عوامل آسیب‌رسان هم شناخت پیدا کند. مهم‌ترین سؤالی که در این رابطه باید پاسخ داده شود این است که آیا انسان به تنهایی و با اتکا بر توانایی‌های خود می‌تواند امانت و مسئولیت الهی را به درستی ادا کند؟ و عوامل آسیب‌رسان را شناخته و با آنها مقابله کند؟ آیا این امانت‌داری احتیاج به آموزش و تربیت خاصی ندارد؟ اگر آموزش و تربیت لازم است، مربی و راهنما کیست؟ بر اساس آیات قرآن مجید و روایات معتبر از جمله حدیث گران‌مایه‌ی ثقلین^۱، ما معتقدیم که کامل‌ترین و مطمئن‌ترین منابع برای یافتن پاسخ این سؤالات، خود قرآن حکیم، پیامبر

اکرم (ص) و ائمه‌ی اطهار(ع) هستند. رهنمودهای فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... این کتاب الهی که به اشکال قاعده، دستورالعمل، وظیفه، توصیه و ... بیان شده است و همچنین احادیث موثق و معتبر واصله از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) دست‌مایه‌های گران سنگی برای مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری توحیدی هستند.

لذا، یک مسلمان مسئولیت‌پذیر، نه تنها یک مسئولیت‌شناس توحیدی اصیل است، بلکه امانت‌داری و رد امانت را نیز بر اساس توصیه‌های صاحب امانت و صاحب مسئولیت و آن هم در کمال مراقبت و مواظبت انجام می‌دهد. اما مراقبت و مواظبت کاری بس دشوار است چرا که خارهای تیز و ناپیدای راه و بیراهه‌های اغوا کننده و شیاطین برای زمین زدن و زمین‌گیر کردن انسان بسیار و سخت است. قرآن کریم به این مسئله نیز کمال توجه را داشته و به بیان توصیه‌ها، هشدارها، بشارت‌ها و معرفی ابزارهایی پرداخته‌است که به توانمندسازی مسلمانان و مؤمنان برای سالم ماندن و منحرف نشدن در این مسیر کمک می‌کند. توجه به معاد، توصیف سختی‌ها و حساب و کتاب دقیق روز قیامت، وعده‌ی جهنم و بهشت و بیان معیارهای جهنمی و بهشتی شدن، دعوت به اندیشیدن و تفکر کردن، دعوت به درس گرفتن از تاریخ و ... از ابزارهای کلیدی قرآن کریم در تربیت و هدایت مبتنی بر خوف و رجا و در راستای عمل به مسئولیت و ادای امانت الهی در فرهنگ قرآنی است. (۵)

مسئولیت در کلام حضرت امیر علیه السلام (۲)

از آنجا که معصومین علیهم السلام اعلام الهدی، عُرُوْتُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّتُ عَلٰی اهل الدنیا هستند، به اعتقاد ما شیعیان، قول و فعل و تقریر آنها دستور قرآن، خواسته‌ی خداوند تعالی و تبیین کننده مطمئنی برای حصول یک مسئولیت‌شناسی توحیدی و تجسم کاملی از مسئولیت‌پذیری خداپسندانه برای

۱ پیامبر اکرم (ص): آنی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی

و در آن باره می‌فرماید: "هان، به خدایی که دانه را شکافت و انسان را بوجود آورد، اگر حضور حاضر و تمام بودن حجت بر من بخاطر وجود یاور نبود و اگر نبود عهده‌ی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننمایند، دهنه شتر خلافت را بر کوهانش می‌انداختم و پایان خلافت را با پیمانۀ خالی اولش سیراب می‌کردم؛ آنوقت می‌دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بز کمتر است". (خطبه ۳)

همچنین نهج البلاغه مملو از توصیه‌های مسئولیت‌شناسانه‌ی آن حضرت به کارگزاران حکومتش می‌باشد. به عنوان مثال ایشان در خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه، یکی از مسئولیت‌های کارگزاران حکومت را مورد اشاره قرار داده و می‌فرمایند (خداوند بر پیشوایان دادگر، واجب کرده است که زندگی خود را با طبقه ضعیف تطبیق دهند تا رنج فقر، برای مستمندان، دشوار نیاید).

امام علی علیه السلام در جای جای نهج البلاغه، به مسئولیت‌های خواص جامعه از جمله عالمان و ثروتمندان و ... نیز اشاره می‌کنند. به عنوان مثال، آن حضرت در حکمت ۳۲۰ در بیان مسئولیت ثروتمندان نسبت به افراد محروم جامعه می‌فرمایند: (خداوند سبحان، غذا و نیاز نیازمندان و فقرا را در اموال ثروتمندان معین کرده است. پس هیچ فقیری گرسنه نماند مگر به واسطه‌ی این که ثروتمندان از حق آنان بهره‌مند شده‌اند و خداوند آن‌ها را به دلیل این عمل مؤاخذه خواهد کرد (۷)) و یا در بیان مسئولیت عالمان در حکمت ۴۷۸ چنین فرمودند که (خداوند، نادان را به آموختن موظف نساخت، مگر آنگاه که دانایان را موظف ساخت که نادانان را تعلیم دهند) (۶) آنچه گذشت، تنها مصادیق کوچکی از اقیانوس ژرف نهج البلاغه در بیان برخی از مسئولیت‌های توحیدی اقشار مختلف مردم در یک جامعه‌ی دینی بود. پر واضح است که بهره‌مندی از این اقیانوس ژرف تمامی نداشته و لذا علی‌رغم اینکه موضوعات

هر مسلمان و بلکه برای همه‌ی بشریت هستند. همان‌طور که اشاره شد، باید اذعان و بلکه اعتراف نمود که گستره‌ی آیات قرآن کریم و روایات موجود به گونه‌ای است که تمام ابعاد زندگی دنیایی و آخرتی بشر را شامل می‌شود و ادعای شیعه مبنی بر پویایی و پاسخگو بودن دین در تمام مسائل مستحدثه و به روز را جامه‌ی عمل می‌پوشاند. لذا، مذاقه و غور اندیشمندان در محتوای آیات قرآنی و روایات معتبر می‌تواند تمام آنچه را که یک مسلمان مسئولیت‌پذیر احتیاج دارد، به شکل دستورالعمل، توصیه، توصیف و ... بیابد و ملاک عمل و رفتار و نیت خود در زندگی قرار بدهد. در ادامه قصد داریم تا با محور قرار دادن کتاب گران سنگ نهج البلاغه، به تناسب، به بیان مصادیقی از مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری در کلام حضرت امیر علیه السلام اشاره نماییم:

حضرت علی (ع) به زیبایی در قسمتی از خطبه‌ای که آن را در صحرائ صغین ایراد فرمودند (خطبه ۲۱۶) با اشاره به حق خداوند و تکلیف انسان، به تبیین مبانی مسئولیت‌شناسی توحیدی پرداخته و چنین اظهار می‌دارند که "... کسی که بر همگان حق دارد و هیچکس را بر او حقی نیست، خدای تعالی است، نه هیچیک از بندگان. زیرا اوست که بر آفریدگان خود توانایی دارد و عدلش در هر چه قضایش بر آن جاری گردد، نمایان است و او حق خود را بر بندگان در آن قرار داد که اطاعتش کنند ... " (۶). از این رو ایشان در خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه که برخی آن را اولین خطبه‌ی آن حضرت در آغاز خلافت می‌دانند به مسئولیت‌های یک فرد مسلمان اشاره کرده و می‌فرمایند "از خدا بترسید، در حق بندگان و بلادش، زیرا شما مسئول هستید حتی در برابر زمین‌ها و ستوران. خدا را فرمان برید و سر از فرمان او برمتابید. خیر را هر جای که دیدید، برگیرید و شر را هر جای که دیدید، از آن اعراض کنید". و در راستای همین مسئولیت‌شناسی توحیدی است که آن حضرت برای پذیرش خلافت احساس مسئولیت می‌کند

و مصادیق مسئولیت‌پذیری در این کتاب گران‌مایه متعدّدند به همین مختصر اشاره، بسنده می‌کنیم. از طرف دیگر، به منظور تبیین گستردگی و عمق مسئولیت‌های یک مسلمان ولایت‌مدار در دایره‌ی زندگی، خواننده‌ی محترم به مطالعه‌ی کتاب ارزشمند مفاتیح الحیات اثر ارزشمند آیت ... جوادی آملی ارجاع داده می‌شود.

جایگاه معلّم و استاد در تربیت مسئولانه‌ی نسل جوان با رویکرد دینی

آموزش و پرورش یکی از ارگان‌های کلیدی در هر جامعه‌ای از جمله جوامع دینی است و می‌تواند نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی در آموزش و تربیت نسل جوان و در نتیجه آینده و سرنوشت هر مملکتی مطابق با ارزش‌های حاکم بر آن داشته باشد. چنانکه نظام آموزشی موجود نتواند در انتقال آموزه‌ها و ارزش‌های اصیل خود اعم از ارزش‌های دینی، حرفه‌ای و ... به نسل جوان کشور عملکرد موفقی داشته باشد، نباید انتظار داشت که جوانان ما برای این ارزش‌ها اهمیت قائل شده و پایبندی لازم به آن‌ها را در مشی و منش خود لحاظ کرده و برای حفظ آن‌ها ایثار و فداکاری نمایند و توان دفاع از آن‌ها را در برابر هجوم ضد ارزش‌ها داشته باشند. در هر نظام آموزشی، نقش برجسته‌ی معلّم در فرآیند انتقال ارزش‌ها به نسل جوان انکارناپذیر است. چنانکه امام خمینی در این رابطه فرمودند: مسئول تمام مقدراتی که برای یک کشور پیش می‌آید و مسئول تمام انسان‌هایی که باید انسان بشوند، معلّم [است] و مقدرات هر مملکتی بدست همین است ... و پیشرفت هر کشوری و عقب ماندگی هر کشوری باز به دست معلّمین است (۸، ص ۴۲۷-۴۳۳). معلّمان خیلی مقام بزرگی دارند و خیلی مسئولیت بزرگی. اگر معلّمان ما کوتاهی کنند در تعلیم، مسئول هستند. معلّمین هستند که می‌توانند مملکت را حفظ کنند و استقلال مملکت را. (۸، ص ص ۱۶۲)

بررسی تاریخ انبیاء و رسل الهی نشان می‌دهد که ایشان در ایجاد نظام‌های دینی، روح مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری را بر پایه‌ی اصول توحید، نبوت و معاد پایه‌ریزی می‌کرده و سپس بر محور فروعات دین در کالبد جامعه به جریان می‌انداخته و بدین صورت به تمام اجزاء و ارکان زندگی آحاد مردم سمت و سوی الهی می‌بخشیده‌اند. همین شیوه در یک نظام آموزش و پرورش توحیدی نیز باید پیاده شود و پیش از همه، معلّم و استاد است که باید رویکردی خدا پسندانه و مشی پیامبر مآبانه داشته باشند. به عبارت دیگر، پیش از آنکه ما از دانش‌آموز و دانشجو و فارغ‌التحصیل خود انتظار داشته باشیم تا مسئولیت‌پذیر باشد، باید مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری را در اعلا درجه‌ی خود در مربیان نظام آموزشی و کردار و عملکرد آن‌ها ایجاد و نهادینه نماییم تا از این رهگذر دانش‌آموزان و دانشجویان ما مسئولیت‌پذیری را عملاً فراگیرند. هر چقدر آموزش و پرورش ما در حصول این هدف موفقیت‌تر عمل کند، مسئولیت‌پذیری دینی متربیان در وهله‌ی دوّم تحقق کامل‌تری خواهد داشت. بنابراین، توجه به این اصل مهم تربیتی (دینی) لازم است که مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری مترتی در درجه‌ی اوّل و پیش از هر چیز وابستگی زیادی به دامنه و عمق مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری مربی و معلّم به خصوص در رفتارهای عملی و در وهله‌ی بعد وابسته به مهیا بودن ساختار و محیط تربیتی برای تحقق و دوام ارزش‌ها است. در واقع، انتقال آموزه‌های اصیل دینی همچون مسئولیت‌پذیری به مترتی، چه در حوزه‌ی دانش نظری و چه در حوزه‌های تصمیم‌گیری و رفتاری، زمانی تأثیر واقعی خود را خواهد داشت که توسط مربیان متدین، متعهد و کارشناس (۹) و در جوّ و فضایی متناسب با ارزش‌های دینی صورت پذیرد. گرچه ممکن است این وضعیت ایده‌آل قلمداد شود، اما نباید دلیلی بر ناامیدی، بی‌انگیزگی و دست‌شستن از تلاش در نزدیک شدن به این ایده‌آل باشد.

انتقال درست مفاهیم و ارزش‌های دینی، و نهادینه کردن آن در نسل جوان است. حساسیت این نهاد در حصول اهداف عالیه دینی برمی‌تابد که مربیان و آموزگاران این نهاد در درجه‌ی اول و ساختار و برنامه‌های آن در درجه‌ی دوم منطبق بر عالی‌ترین سطح از ارزش‌های دینی باشند. بر این اساس پیشنهادات ذیل جهت ارتقای مسئولیت‌پذیری در محیط‌های دانشگاهی ارائه می‌گردد:

- تعیین وضعیت موجود بر اساس شاخص‌های مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری در محیط‌های آموزشی و در بین دانشجویان و اساتید و تحلیل ریشه‌ای آن
- اجرای نیاز سنجی‌های دانشی، مهارتی و ساختاری برای پر کردن فاصله تا وضعیت ایده‌آل
- برگزاری کارگاه‌های دانش‌افزایی مداوم برای دانشجویان و اساتید در ارتباط با شاخص‌های مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری
- برگزاری کارگاه‌های ارتقای توان و مهارت‌های مدیریت مسئولانه‌ی اساتید در جهت ارتقای مسئولیت‌پذیری در محیط‌های آموزشی و درمانی
- ممیزی قوانین، دستور العمل‌ها، ساختارها و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی جاری از نظر انطباق با شاخص‌های مسئولیت‌پذیری
- بازنگری کوریکولوم‌های آموزشی در راستای ارتقای شاخص‌های مسئولیت‌پذیری در محیط‌های آموزشی
- نظارت و ارزشیابی مداوم بر عملکرد آموزشی و حرفه‌ای اساتید در ارتباط با شاخص‌های مسئولیت‌پذیری
- ارزشیابی مداوم عملکرد حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان دانشگاه در ارتباط با شاخص‌های مسئولیت‌پذیری و بازنگری مداوم برنامه‌های آموزشی بر اساس نتایج حاصله

علاوه بر مسئله‌ی الگو بودن خود مربی در دانش و رفتار، نقش و شیوه‌ی تربیتی یا همان نقش معلمی او نیز اهمیت ویژه دارد. به عبارت دیگر، در یک آموزش و پرورش دین محور، نه تنها مربی خود یک مسئولیت‌شناس و مسئولیت‌پذیر متعهد است، بلکه مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری را نیز با اتخاذ روش‌های آموزشی و تربیتی مناسب، به مربی منتقل می‌کند. در این رویکرد، مربی نه تنها به علم و علم‌آموزی ارزش معنوی ببخشد بلکه باعث رشد و تقویت ارزش‌های دینی در چشم و گوش و فکر مربی می‌شود. (۱۰) در چنین فرهنگ تربیتی است که مربی فضایل اخلاقی مورد تأیید دین همچون رعایت حق الناس، احترام گذاردن، ظلم ستیزی، گذشت، کمک به نیازمندان، محبت به اهل بیت و ... را آموخته و ردایل اخلاقی همچون ظلم‌پذیری، افراط، اسراف، بی‌تفاوتی، بدعت‌گذاری و... را شناخته و مبارزه با آن‌ها را می‌آموزد.

نتیجه‌گیری

اساساً مسئولیت‌شناسی مقدمه و پیش‌زمینه‌ی مسئولیت‌پذیری است. در فرهنگ دینی، یک مسلمان مسئولیت‌پذیر در درجه‌ی اول، یک مسئولیت‌شناس دینی خوب است. اساس تربیت مسئولانه در فرهنگ دینی نیز بر شناخت درست اصول و فروع دین اسلام استوار می‌باشد؛ سردمدار تمام این شناخت‌ها نیز توحید است (۱۱). در فرهنگ دینی اسلام، مسئولیت‌شناسی و متعاقباً مسئولیت‌پذیری در تمام شئون زندگی یک مسلمان پیرو خط قرآن و اهل بیت پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم ساری و جاریست. در این راه، قرآن کریم و مفسران معصوم آن داناترین افراد به مسیر کمال و سعادت ابدی و بهترین راهنمایان و راهبران طریق شناخت و چگونگی ادای مسئولانه‌ی امانت الهی هستند.

آموزش و پرورش، از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نهادهای کشور در

منابع

1. Nortvedt P. Needs, closeness and responsibilities. An inquiry into some rival moral considerations in nursing. *Nursing Philosophy* 2001;2:112-21.
2. Asemani O, Tabeie SZ, Iman MT, Sharif F, Moattari M, Khayyer M. Theoretical explanation and evaluation of responsibility in medical students and residents of the Shiraz University of Medical Sciences during clinical training. Shiraz: Shiraz University of Medical Sciences; 2014.
3. Javadi Amoli A. Thematic interpretation of the Holy Quran; temperament in the Quran. Qom: Esra; 2007.
4. Javadi Amoli A. Thematic interpretation of the Holy Quran; Epistemology in the Quran. Qom: Esra; 2007.
5. Javadi Amoli A. Thematic interpretation of the Holy Quran; Resurrection in the Quran (1). Qim: Esra; 2007.
6. (PBUH) IA .Najul Balagha; A collection of Sermons, Letters and Sayings. Tehran: Nahjul-Balagha Foundation; 2000.
7. Razi S. Nahj al-Balaghah (Electronic Version of Noor Digital Library). Tehran: Feyz al-Islam Printing and Publishing Institute; 2000.
8. Khomeini SRM .Sahife-ye-Imam. 7. Teharn: Center for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works; 2010. p. 162, 427-33.
9. Mazaheri H. Characteristics of a good teacher. 12th ed. Qom: Akhlagh; 2010.
10. Hojjati SMB. Teaching and Learning etiquette (Monya al-mureed Fi Adab al-mofid va al-Mostafid). 36st ed. Tehran: Islamic Culture Publishing Office; 2015.
11. Javadi Amoli A, editor. Thematic interpretation of the Holy Quran; Monotheism in the Quran. 4th ed. Qom: Esra; 2008.

Religious Bases of Dutifulness and Responsibility in Educational System

Omid Asemani^{1,2}, Seyed Ziaadin Tabei^{1*}

Abstract

Background and objective: Relationship originates responsibility and establishes rights and duties. Although, social relations are the most prominent instance of substantiating responsibility, but its extensiveness includes all relations with Allah, self, animate and inanimate beings, the environment, etc. Here we aimed at explaining responsibility within a religious culture and pointing out the importance of faculties' role in development of trainees' true responsibility.

Methods and Materials: In this descriptive- analytic study we have tried to present a comprehensive view of responsibility using Islamic resources –Quran and Nahj-Al-Balagheh, etc. Moreover, we have sketch the quality of reinforcement of an Islamic view regarding responsibility within an academic education and training system.

Results: In Islamic culture being responsible rooted in a proper and monotheistic knowing of responsibilities. In this view, responsibility considers an inherent characteristic of the cosmos. In this culture, human beings considered responsible and then accountable toward their doings, willing, etc. for their specific characteristics of freedom and intellect. Educational and training structures consider pillars of transferring religious values to the next generations. Faculties are the main elements of value transferring to the youths. therefore, their responsible thoughts, functions, behaviors and deeds as role models could help interiorizing of this basic element to the trainees.

Conclusion: Determining religious indexes and instances of responsibility, assessment of the current status of responsibility regarding knowledge, skill, programs and structures, holding purposive workshops, supervising role model characteristics of the faculties and assessment of the trainees' abilities regarding religious elements of responsibility are proposed to be followed.

Keywords: Responsibility, Dutifulness, Faculty, student, Religion, Education, Training

1. Department of Medical Ethics and Philosophy of Health, Shiraz Faculty of Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, IR Iran
- 2*. Corresponding Author, Center for Interdisciplinary Research in Islamic Education and Health Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran